



تحریم‌ها کار می‌کند
گفتاری از جواد صالحی اصفهانی
در نقد تداوم رفتار سیاسی و سیاست خارجی ایران



مطیع‌ترین وزیر خارجه شاه
بازخوانی کارنامه غلامعباس آرام
از ارتباط با انگلیس تا ۱۵ خرداد ۱۳۴۲



سربازان اروپا به سوی اوکراین؟
بزرسی سیاست خارجی امانوئل ماکرون
که تندترین موضع را علیه روسیه گرفته است



تهران لرزان، تهران رها شده

هشدار کارشناسان: درباره جای خالی برنامه مشخص برای جلوگیری از فاجعه تهران

ارزیابی فعالان سیاسی از اظهارات سید محمد خاتمی درباره شرایط داخلی و خارجی کشور

این فرصت را قدر بدانید



حشمت‌الله فلاحت‌پیشه نماینده اصولگرای آدوار مجلس



مهدی معتمدی مهر عضو دفتر سیاسی نهضت آزادی

گزارش سیاست ۳۰۵



عباس عبدی روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی



سید محمد خاتمی رئیس دولت اصلاحات

اعتقاد دارم آمار تهران در دوره دوم انتخابات مجلس که ۸ درصد واجدین شرایط در انتخابات شرکت کردند، حاکی از شکست سیاست وحدت در کشور است. این ۸ درصد نیز طرفداران گروهی بودند که بزرگترین بی‌اخلاقی‌ها را از خود نشان داده و افشای‌گری‌هایی در مورد چپاول بیت‌المال از سوی طرف مقابل مطرح کردند. در حقیقت افرادی که برای حاشیه‌نشین و خانه‌نشین کردن عقلای جامعه در یک جبهه بودند، نتوانستند هم‌دیگر را تحمل کنند.

به صورت بالقوه فکر می‌کنم چنین فرصتی ایجاد شده است، اما چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای ندارم که از این فرصت بالقوه استفاده شود. دلیل آن نیز ساختار مدیریتی کلانی است که امروز در ایران حاکم است. این یک تفاوت نگرشی است. آقای خاتمی و نیروهای اصلاح‌طلب و دموکراسی خواه بقای یک نظام را هم‌راستا با توسعه اقتصادی، سیاسی، حضور و مشارکت ملی می‌دانند و نگاه بلندمدت به بقا دارند.

سیاستمدار حاذق در مقاطع حساس است که نقش خود را نشان می‌دهد و هدایت جامعه می‌تواند مؤثر باشد. اینکه بدانند کجا باید توقف کند و یک پیروزی را تثبیت و سپس تبدیل به فرصتی برای دستیابی برای توافق مفید کند اما اگر دنبال‌رو جریان احساسی باشد ممکن است ادامه دهد و آن پیروزی‌اش تبدیل به شکست بعدی شود. پس این رفتار در موضوع اخیر هم ناظر به این است که ایران می‌خواهد با جهان چه کار کند؟ اگر می‌خواهد تفاهم کند این قاعدتاً نقطه مثبت و خوبی است.

بهتر است جمهوری اسلامی این پیروزی در عملیات موشکی علیه اسرائیل را مستمسکی برای ارتباط عزتمندانه با جهان و آشتی ملی در داخل کشور قرار دهد و درصدد رفع نارضایتی‌های جامعه که اتفاقاً در کاهش مشارکت در انتخابات اخیر بروز و ظهور پیدا کرد، باشد. نظام حکمرانی متوجه باشد بسیاری از کسانی که در انتخابات ۱۱ اسفند رأی ندادند، برانداز نیستند بلکه معتقدند وضعی که دارند قابل تحمل نیست و فقط می‌خواهند زندگی کنند.



بررسی نتایج دور دوم انتخابات، اظهارات وزیر کشور و آرایش نهایی مجلس دوازدهم

حماسه هشت درصدی؟

گزارش انتخابات ۲۰۳

داخلی استثنا است. در دولت آقای رئیسی چنین کاربردی کم نیست و رئیس دولت نیز در این زمینه گشاده‌دست سخن می‌گویند. طبعاً، علت واقعی آن رویکرد روایت‌محوری است که بر اعضای دولت غلبه دارد. به عبارت دیگر، گمان می‌کنند واقعیت را هرگونه تعریف و توصیف کنند، مردم همان را باور خواهند کرد. در حالی که در خوشبینانه‌ترین حالت فقط اندکی از افراد خودشان مفتون چنین تعبیر و روایاتی می‌شوند. چگونه ممکن است که فتح خرمشهر در سوم خرداد ۱۳۶۱ یا انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ را «حماسه» بنامیم و در عین حال، مشارکت انتخاباتی و اندک چند درصدی در دور دوم انتخابات تهران را هم حماسه‌ای مردم بنامیم؟ اگر یک نظرسنجی شود، به احتمال فراوان اکثریت قاطع مردم حتی اطلاع چندانی از این برنامه نداشتند. پس، چگونه چنین دیدگاهی را می‌توان حماسه نامید؟

و شاهد رونق هستیم. وزیر آموزش و پرورش نیز فرمودند که «ما در آستانه الگو شدن برای جهان هستیم، ما به قله نزدیک شده‌ایم و کسی که می‌تواند این الگو شدن را رقم بزند، نظام تعلیم و تربیت کشور است.» خوشبختانه ایشان تخفیف دادند و گفتند در آستانه الگو شدن هستیم؛ هر چند این تخفیف را پس گرفته و در ادامه معتقد بودند که نظام تعلیم و تربیت کشور می‌تواند این الگو شدن را رقم بزند. طبعاً منظورشان همین آموزش و پرورش و رسانه‌های رسمی و روحانیون باید باشد. آخرین مورد هم سخنان آقای وزیر کشور است که در توثیق خود نوشته‌اند: «مرحله دوم انتخابات پایان یافت. بحمدلله مردم حماسه آفریدند.» این گونه جملات و کاربرد کلمات در معانی مغایر با برداشت عرفی آنها در سیاست غیر معمول نیست و موارد زیادی از آن را در سیاست بین‌الملل کشورها دیده‌ایم؛ ولی تکرار آن در سیاست

کنفوسیوس فیلسوف و حکیم چین معتقد است که «هر ظلمی در جهان از ظلم بر کلمات آغاز می‌شود». در واقع، کلمات بار معنایی خود را دارند و نمی‌توان آن را تغییر داد. ظلم به کلمات به معنای تغییر مفهومی آنهاست. ما نمی‌توانیم بادیگران خوشونت‌بار رفتار کنیم؛ ولی نام آن را بر خورد مهر بانانه بگذاریم. ما نمی‌توانیم به کسی که در خواست آب می‌کند، کفش تحویل دهیم و بگوییم این آب است. ما نمی‌توانیم در یک مسابقه عادی ده گل بخوریم و بعد بگوییم پیروز شده‌ایم. رفتار تبعیض‌آمیز را نمی‌توان عادلانه معرفی کرد. این کارها ظلم به کلمات است و در واقع، بردن کلمه به کشتارگاه است. ظاهراً مدیران دولت در قلب کردن مفاهیم متعارف کلمات خیلی گشاده‌دست هستند. آقای وزیر کار فرمودند: «بحمدالله و المنه ما در حوزه اقتصاد یکی از اولین اقتصادهای جهان هستیم! مخصوصاً در این دولت

سرمقاله

قتلگاه کلمه